

وجدان

زنو

ایتالو کالینو

مرتضی کلانتریان



عنوان و پدیدآور: وجدان زنو/ ایتالو اسووو؛ ترجمه‌ی مرتضی کلانتریان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۹۴۳۶-۰۰۴

مشخصات نشر: تهران، نشر بان، ۱۳۹۷

مشخصات ظاهری: ۵۳۶ ص؛ ۱۳/۵×۲۱ س.م.

یادداشت: عنوان اصلی: **La Conscience de Zeno/ Italo Svevo**

موضوع: داستان‌های ایتالیایی - قرن ۲۰ م

موضوع: **Italian Fiction-20th century**

شناسه افزوده: کلانتریان، مرتضی، ۱۳۱۱، مترجم.

رده‌بندی، کتگره: ۱۳۹۷ و ۸۰۳/ش/PQ4۸۰۳

۵-اره کتابشناسی ملی: ۵۲۰۸۴۶۱

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

رده‌بندی دیویی: ۸۵۳/۹۱۴

ایتالو اسووو
وجدان زنو

ترجمه‌ی:
مرتضی کلانتریان

چاپ یکم نشریان: پاییز ۱۳۹۷
چاپ یکم ترجمه‌ی فارسی: انتشارات آگاه، ۱۳۶۳
آماده‌سازی و صفحه‌آرایی: دفتر نشر بان (پریا اسماعیلی)

شماره: ۱۰
نسخه

بیتوگرافی:
طاوود، رایانه
چاپ:
منصور
صحافی:
کیا پاشا

مدیر هنری:
امید نعم‌الحبيب / استودیو ملی
طراح گرافیک:
مهدی قاسمی

مرکز پخش:
خیابان انقلاب، بین فروردین و اردیبهشت
شماره‌ی ۱۳۴۰
تلفن: ۶۶۹۷۳۴۵۸، داخلی (۱۱۳)

فروش اینترنتی:
www.baan.pub و www.agahbookshop.com

قیمت: ۶۵,۰۰۰ تومان

[instagram.com/baanpublishers](https://www.instagram.com/baanpublishers)

کاغذ «بالک»، همراه طبیعت



یادداشت مترجم

ایتالو اسووو (Italo Svevo) در سال ۱۸۶۱ در تریست متولد می‌شود و در سپتامبر ۱۹۲۸ در تصادف اتومبیل از دنیا می‌رود. سهامدایی از بزرگ‌ترین شرکت‌های صنعتی ایتالیا بودن سبب می‌شود که او تمام وقش را صرف اداره امور این شرکت کند. فراغت از کار تجاری گاه‌گاهی به او امکان می‌دهد تا به نویسندگی بپردازد. ظرف سی سال کار نویسندگی، سه رمان منتشر می‌کند: *Una Vita* (۱۸۹۲)، *Senilità* (۱۸۹۸) و بعد از یک سکوت بسیار طولانی (۲۵ سال تمام) که بی‌شک ناشی از عدم موفقیت این دو رمان بود، وجدان زنو (*La Coscienza di Zeno*) (۱۹۲۳). این بار اقبال رو می‌آورد و کتاب شهرت جهانی پیدا می‌کند و نویسندگانی چون جیمز جویس، والری

لاربو، بنژامین کرمیو و دیگران به تفصیل از آن تجلیل می‌کنند.

دربارهٔ این‌که اسووو تحت تأثیر فلسفهٔ شوپنهاور است و یا از فروید متأثر است مقالات متعددی نوشته‌اند که در این مورد می‌توان از جمله به شمارهٔ مخصوص مجلهٔ *Modern Fiction Studies* (شمارهٔ ۱۸ سال ۱۹۷۲) اشاره کرد که در مجموع به بررسی و نقد آثار اسووو اختصاص داده شده است. در واقع دربارهٔ آن‌چه به تأثیرپذیری از فلسفهٔ شوپنهاور مربوط می‌شود تردیدی وجود ندارد:

شوپنهاور می‌گوید اگر به کل هستی بشری بنگریم جز تراژدی چیزی در آن نخواهیم یافت. حال آنکه اگر به جزئیات آن توجه کنیم طنز و کمدی را جلوه‌گر می‌بینیم. در وجدان زنو نیز همین دو جنبهٔ زندگی انسانی به نحوی استادانه ترسیم شده است.

زنو هم مانند شوپنهاور معتقد دارد که درد و رنج بخش اساسی زندگی بشری را تشکیل می‌دهد و راه یافتن به سوی خوشبختی محال است و در این زمینه تا آن‌جا پیش می‌رود که احساس می‌کند درد و رنج از همان بدو تولد هم‌زاد نوزاد است.

شوپنهاور معتقد است که زندگی بین درد و ملال در نوسان است و زنو نیز همین امر را تجربه می‌کند.

اندیشهٔ مرگ دست از گریبان زنو بر نمی‌دارد و او بر این پند است که زندگی مبارزهٔ بیهوده‌ای است که در آن سرانجام برد ما مرگ غمناک بود. مفهوم اندیشهٔ شوپنهاور نیز همان است: زندگی جدال دائمی برای بقا است، در حالی که انسان می‌داند که در پایان، این مرگ است که به پیروزی خواهد رسید.

مطلب اساسی در وجدان زنو این است که انسان یارای تغییر سرنوشت خود را ندارد. شوپنهاور نیز به همین منوال اعلام می‌دارد: هر کس بر این باور است که می‌تواند طبق اراده و تصمیم خود شخص دیگری بشود، اما تجربهٔ زندگی به او خواهد آموخت که سرنوشت او تابع مقتضیات و ضرورت‌هاست و او دقیقاً همان نقشی را ایفا خواهد کرد که از آن تنفر دارد...

اگر نویسندگان و منتقدان ایتالو اسووو درباره تأثیر فلسفه شوپنهاور بر آثار او اتفاق نظر دارند، در نقشی که آرا و عقاید فروید در تکوین نوشته‌های او دارد، نظر واحدی ندارند. این اختلاف بیش‌تر از آن‌جا ناشی می‌شود که در هر سه اثر، با این‌که برخورد با روانکاوی فروید انکارناپذیر است، اما به وضوح معلوم نیست که اسووو فروید را می‌ستاید یا نفی می‌کند. آیا این جمله تمسخرآمیزش در مورد فروید می‌تواند مشکل را بگشاید: «فروید مرد بزرگی است منتهی برای قصه‌پردازان و نه برای بیماران.»

سخن کوتاه، وقتی که از ادبیات جدید اروپا صحبت می‌کنیم و بلافاصله به یاد جویس، پی‌یر آندلو، کافکا، پروست، لارنس، ژید و توماس‌مان می‌افتیم، باید فاش‌تر کنیم که ایتالو اسووو نیز چه از جهت اصالت سبک و چه از جهت سبک ادبی از زمره این پیشگامان ادبیات نوین اروپایی است و این سخن آندره ژید درباره وجدان‌زنو از یاد نبریم:

«یک شاهکار عظیم و باهوشانه... در طول یک قرن احتمال دارد فقط پنج یا شش اثر به این غنا، عظمت، خلاقیت شود.»

م.ک.